

فرهنگی

انفجاری که در میدان تجریش در افکار عمو می ایران و جهان تصویر شده بود، عموماً خلاصه می شد به تصویر ترکیدگی لولسه آب و اخباری از تلفات و جراحات. اما این تصویر با انتشار ویدئوی پنجشنبه‌شب از اصابت مستقیم موشک به خودروهای ایستاده در پشت چراغ قرمز همین میدان، معنای تازه‌تری از عمق جنایات رژیم صهیونیستی در کشتار غیرنظامیان پیدا کرد. انفجاری که در آن ۵۹ نفر مجروح شدند و ۱۲ نفر، از جمله یک خانم باردار به شهادت رسیدند، سند خوبی برای آشکار ساختن دروغ نتانیاهو و رسانه‌های فارسی زبان کمپین کشتار او محسوب می شوند که مدعی بودند در این جنگ تجمیلی قرار نیست غیرنظامیان هدف قرار گیرند. البته پیش از این هم مضامین متعددی از کشتار غیرنظامیان و ریختن آوار و آتش بر سر کودکان وجود دارد، اما ویدئوی میدان تجریش باعث شد تا دیگر جای هیچ گونه بهانه‌فراشسی برای نپذیرفتن روایت جنایت باقی نماند؛ جنایتی که همان سرگراه جمعه با به شهادت رساندن ۶۰ نفر از هم‌وطنان مان از جمله رایان قاسمیان دوماهه در ساختمان شهید چمران آغاز شد و به مدت ۱۲ روز ادامه پیدا کرد. اکنون هم دست‌فعلان رسانه‌ای برای فریاد زدن جنایت جنگی نتانیاهو و ترامپ باز است و هم دست وکلا ی حقوقی ایران برای طرح دعوا در مجامع بین المللی. البته که توقع نمی‌رود گوش شنوایی برای محکوم و دستگیر کردن جنایت‌کاران جنگی غزه، لبنان، یمن و ایران وجود داشته باشد، اما پیگیری‌های حقوقی باعث می‌شود تا عامل اصلی جنایت یعنی نتانیاهو که اکنون برای جلب حمایت‌های سیاسی و نظامی بیشتر ترامپ به واشنگتن سفر کرده است حداقل در برابر چشمان تاریخ محکوم شده و ادله محکمی برای خون‌خواهی کودکان و زنان در آینده وجود داشته باشد.

سحرگاه روز جمعه ۲۳ خرداد

سحرگاه روز جمعه ۲۳ خرداد

۲۲ سند مهم اثبات ۱۲ روز جنایت
سحرگاه روز جمعه ۲۳ خرداد، در نخستین دقایق تحمیل جنگ به ایران، ساختمان مسکونی شهید چمران هدف حملات رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این حمله که در سحرگاه روز جمعه آغاز شد، منجر به شهادت ۶۰ نفر از جمله رایان قاسمیان، نوزاد دوماهه و کوچک‌ترین شهید ایران شد. اکثریت قربانیان این حمله کودکان و زنان بودند که در میان آوار و آتش گرفتار شدند. این حمله نشان‌دهنده استراتژی رژیم صهیونیستی برای هدف‌گیری عمدی غیرنظامیان به منظور ایجاد وحشت و ناامیدی در جامعه بود. شهادت رایان قاسمیان، نوزادی که تنها دو ماه از زندگی‌اش گذشته بود و تصویری از تابوت کوچک او که بر دوش تنها یک نفر حمل می‌شد، به نمادی از مظلومیت قربانیان این جنایت تبدیل شد. ۲ روز بعد از این جنایت، میدان تجریش، یکی از پرتددترین و شناخته‌شده‌ترین نقاط تهران، در میانه روز سوم جنگ یعنی ۲۵ خرداد هدف حمله موشکی رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این حمله که به‌صورت مستقیم به خودروهای غیرنظامی ایستاده در پشت چراغ قرمز اصابت کرد، منجر به شهادت ۱۲ نفر، از جمله یک زن باردار و مجروح شدن ۵۹ نفر دیگر شد. ویدئوی منتشرشده از این حمله نشان‌دهنده هدف‌گیری عمدی غیرنظامیان است. این تصاویر نه‌تنها ادعاهای رژیم صهیونیستی مبنی بر عدم هدف‌گیری غیرنظامیان را به‌طور کامل رد کرد، بلکه شواهد غیرقابل انکاری از نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی ارائه داد. ویدئو نشان می‌داد که موشک به‌صورت مستقیم به خودروهای غیرنظامی اصابت کرده و هیچ هدف نظامی در نزدیکی محل حمله وجود نداشته است. این امر هرگونه بهانه‌تراشی برای توجیه حمله را بی اعتبار می‌کند. این حمله نشان‌دهنده تلاش رژیم صهیونیستی برای ایجاد رعب و وحشت در میان غیرنظامیان بود. هدف‌گیری یک میدان شلوغ در ساعات اولیه روز، زمانی که مردم عادی در حال انجام فعالیت‌های روزمره خود بودند، نشان‌دهنده بی‌اعتنایی کامل به اصول اخلاقی و قوانین بین‌المللی جنگ است. این حمله به‌عنوان یکی از بارزترین مصداق‌های جنایت جنگی در این دوره به‌نمادی از وحشی‌گری رژیم صهیونیستی تبدیل شد. این حملات، که منجر به شهادت صدها نفر از جمله کودکان، زنان و امدادگران شد، نقض آشکار قوانین بین‌المللی و حقوق بشر است. ویدئوی میدان تجریش و آمار قربانیان ساختمان چمران به‌عنوان اسنادی غیرقابل انکار، باید در مرکز توجه پیگیری‌های حقوقی و رسانه‌ای قرار گیرند.

انتقادها از سفر به باکو ادامه دارد

سوال‌های فراپروتکلی

علی ملکی **خبرنگار گروه سیاست**
وقتی هوایمیا حامل بمبومد پزشکیان در فروگاه باکو بر زمین نشست، بسیاری از ناظران منتظر بودند ببینند نخستین سفر خارجی او بعد از دفاع ۱۲ روزه و با وجود اتهاماتی که متوجه دولت علی اف است، چگونه رقم خواهد خورد. شهر خاکنندی میزبان هفدهمین اجلاس سازمان همکاری اقتصادی (اگو) بود؛ سازمانی با سابقه‌ای نسبتاً قدیمی در عرصه همکاری‌های منطقه‌ای، اما با کارنامه‌ای نه چندان درخشان در تحقق اهداف اقتصادی بزرگ. آنچه این سفر را از یک نشست رسمی معمولی متفاوت می‌کرد، نه صرفاً خود سازمان اگو یا دستورکار آن، بلکه نحوه مواجهه دولت ایران با همسایگان شمال غربی، به‌ویژه ترکیه و جمهوری آذربایجان با وجود شک و شبهه‌هایی که درباره احتمال دخالت آن‌ها در حمله به ایران وجود دارد، بود. لیخندها و تعارفات دیپلماتیک میان رهبران، سؤالات زیادی در باره وزن این دیدارها، پیامدهای منطقه‌ای آن و هم‌زمان، فیتت معنادر رئیس‌جمهور ایران در محافل مهم‌تری چون بریکس، ایجاد کرد. دولت جدید از همان روز اول شروع به کارش با چالش‌های سختی رویرو شد و طبیعتاً نباید شتاب زده در باره آن قضاوت کرد؛ اما نشانه‌ها، ولو کوچک، باید با دقت رصد شوند. یک حرکت ساده در صفحه دیپلماسی آغاز مات شدن یا آغاز پیروزی است.

رئیس‌جمهور ایران در جریان دیدار با نخست‌وزیر ترکیه

رئیس‌جمهور ایسران در اولین حضور دیپلماتیک خود پیس از دفاع ۱۲ روزه، به «خاکنندی»، شهری مورد مناقشه در حوالی جنوب غربی جمهوری آذربایجان سفر کرد تا در هفدهمین نشست سران سازمان همکاری اقتصادی شرکت کند. این سفر در شرایطی انجام‌شد که منطقه پس از پاسخ نظامی ایران به حملات اسرائیل در وضعیت امنیتی شکننده‌ای قرار داشت. پزشکیان در نقطه خودباستانده‌ی ماده ۵ منشور ملل متحد، عملیات نظامی ایران را دفاع مشروع و یازدارنده توصیف کرد و خواستار محکومیت یکپارچه تجاوز اسرائیل از سوی اگو شد. او با انتقاد از ناکارآمدی اگو در تبحار درون منطقه‌ای که تنها ۵ درصد ظرفیت‌ها را پوشش می‌دهد، پیشنهادهایی پنج‌محوری برای تدوین «چشم‌انداز ۲۰۳۵ اگو» ارائه کرد. بازنگری موافقت‌نامه تجارت ترجیحی (ECOTA) و ایجاد منطقه تجارت آزاد تا ۲۰۳۵، توسعه شبکه لجستیکی برای تقویت ترانزیت و دسترسی کشورهای محصور در خشکی به آب‌های

«فرهیختگان» هم‌زمان با سفر نتانیاهو به آمریکا کشتار غیرنظامیان در تراژدی تجریش را بررسی می‌کند

جنایتکار جنگی در نیویورک



طرح: آرش فروتنی / فرهیختگان

به خودروهای آمبولانس، بالگردهای هلال احمر و ساختمان صلح این سازمان به شهادت رسیدند؛ خودروی هلال احمر که به‌صورت عمدی هدف قرار گرفت، در میدان ۷ تیر به نمادی از جنایات رژیم صهیونیستی و مقاومت مردم ایران در برابر این جنایات تبدیل شده است.

پروندهٔ حقوقی ضد اسرائیل سنگین است

اگرچه انتظار واکنش قاطع از مجامع بین‌المللی برای محکومیت یا دستگیری عاملان این جنایات وجود ندارد، اما پیگیری‌های حقوقی می‌تواند این جنایات را در تاریخ ثبت کرده و فشار بر حامیان رژیم صهیونیستی را افزایش دهد. وکلای ایرانی با ارائه شواهدی مانند ویدئوی میدان تجریش، تصاویر ساختمان چمران و گزارش‌های

به وزن نمادین حرکات بدن در روابط بین‌المللی می‌دانند. تصویر منتشرشده از لحظه ورود الهام علی اف و هم‌نشینی هم‌زمان پزشکیان با او، هر چند ممکن است در فضای خصوصی و دوستانه اتفاق افتاده باشد، اما در دورانی که هر ژست و حرکت رهبران از لنز دوربین‌ها به‌دقت ثبت و تحلیل می‌شود، نمی‌توان آن را صرفاً به حساب سلیقه یا خلق و خو گذاشت.

ادب بی‌موقع

زبان بدن در دیپلماسی مدرن چیزی فراتر از ژست‌های شخصی است؛ بخشی از «ادبیات غیرکلامی قدرت» محسوب می‌شود که اغلب پیام‌هایی عمیق‌تر از سخنان رسمی منتقل می‌کند. نوع نشستن، ترتیب‌رود، جهت‌نگاه، زمان‌ایستادن یا نشستن در کنار یک‌رهر دیگر، همگی می‌توانند در رسانه‌هاود ذهن مخاطبان، معنایی سیاسی پیداکنند. در شرایطی که روابط ایران با جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر پر تنش بوده‌و حتی میباحثی چون کریدون‌زنگ‌رو و موضوعات امنیتی در مرزهای شمال‌غرب ایران مطرح است، حساسیت بر چنین حرکاتی دوچندان می‌شود.

ادب در دیپلماسی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما همیشه باید با دقت در نمادها همراه باشد. احترام در برخی موقعیت‌ها می‌تواند در چهارچوبی متفاوت از عرف عمومی تعریف شود. گاهی نشستن پیش از طرف مقابل یا حفظ فاصله، نه بی ادبی، بلکه نوعی پیام سیاسی آگاهانه تلقی می‌شود. در جهانی که دیپلماسی به‌صحنه‌ای نمادین بدل شده (و مصداق بارزش کذب‌ای کردن ترامپ در توئیتر است) رهبران باید بدانند که حتی ساده‌ترین حرکات، بار معناداری دارند و گاه یک ایستادن یا نشستن ساده، د هزار واژه و موضع اثرگذارتر است.

چرا بریکس را جدی نمی‌گیرید؟

سازمان همکاری اقتصادی (اگو) ریشه‌هایی در دهه ۶۰ میلادی دارد و زمانی قرار بود پل ارتباطی ایران، ترکیه و پاکستان با دیگر کشورهای منطقه باشد. اما واقعیت این است که اگو، علی‌رغم توان بالقوه، هرگز نتوانسته است به‌سازمانی تصمیم‌ساز یا حتی تأثیرگذار در حل و فصل مسائل کلان منطقه‌ای تبدیل شود. نه در بحران‌های امنیتی حضور مؤثر دارد، نه در ایجاد بازار مشترک یا همکاری زیرساختی موفق بوده است. بنابراین اگرچه حضور ایران در این نشست از نظر نمادین مهم بود اما پرسش این است که آیا دولت جدید برنام‌ه‌ای برای تقویت نقش ایران در نهادهای مؤثرتر دارد؟ در شرایطی که سازمان‌هایی چون بریکس در حال تغییر توازن قدرت جهانی‌اند، عدم حضور پزشکیان در برزیل برای شرکت در این اجلاس، آن هم با حضور سران

آماری، می‌توانند پرونده‌ای قوی در دیوان کیفری بین‌المللی یا دیگر نهادهای حقوقی تشکیل دهند. این پیگیری‌ها شامل ارائه‌اشکابت به‌دیوان کیفری بین‌المللی برای بررسی جنایات جنگی رژیم صهیونیستی و حامیان آن، تشکیل پرونده در شورای حقوق بشر سازمان ملل برای مستندسازی نقض حقوق بشر و درخواست تحریم‌های بین‌المللی علیه مقامات مسئول این حملات است. این حملات نقض آشکار اصول حقوق بین‌الملل، از جمله اصل تفکیک مندرج در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو است که طرف‌های درگیر را موظف به تمایز بین غیرنظامیان و اهداف نظامی می‌کند. هدف‌گیری مستقیم غیرنظامیان در میدان تجریش و ساختمان چمران این اصل را نقض کرده است. همچنین، حمله به خودروها و بالگردهای هلال احمر و در مانگاه زندان او بین، نقض مواد ۱۸ و ۱۹ کنوانسیون چهارم ژنو است که حفاظت از امدادگران و کادر پزشکی را تضمین می‌کند. علاوه بر این، حملات کور و بدون تمایز، مانند حمله به میدان تجریش، نقض ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول است که هرگونه حمله منجر به خسارت به غیرنظامیان را ممنوع می‌داند. ایران باید یک آرشو جامع از شواهد این جنایات، از جمله ویدئوها، تصاویر و گزارش‌های آماری، ایجاد کند تا در آینده برای پیگیری‌های حقوقی و تاریخی استفاده شود.

خون‌شویی اسرائیل نشان‌ها

پس از انتشار ویدئوی میدان تجریش، رسانه‌های فارسی‌زبان معاند و کاربران فارسی‌زبان ضد این ادرا تلاش کردند تا این جنایت را توجیه کنند. به همین دلیل در ابتدا ادعا کردند که ویدئو با استفاده از هوش مصنوعی ساخته شده است. اما با تأیید اصالت ویدئو و ناتوانی در انکار حقیقت، استراتژی خود را تغییر دادند و مدعی شدند که حمله به میدان تجریش «مشروع» بوده است. یکی از به‌اصطلاح کارشناسان نظامی دعوت‌شده به شبکه صهیونیستی اینترنشنال اظهار داشت که موشک رژیم صهیونیستی قصد هدف‌گیری ساختمانی مجاور را داشته و به دلیل «خطا» به خودروهای غیرنظامی اصابت کرده است و به همین دلیل واجد مشروعیت است. این ادعا نه‌تنها مضحک است، بلکه حتی اگر فرضاً هدف یک ساختمان بوده باشد، هدف‌گیری غیرنظامیان در آن ساختمان نیز به‌هیچ‌وجه قابل توجیه نیست. در اقدامی عجیب‌تر، یکی از کاربران براننداز در شبکه‌های اجتماعی به‌جای اعتراض به رژیم صهیونیستی، مردم را سرزنش کرد که چرا در شرایط جنگی پشت چراغ قرمز ایستاده‌اند. این اظهارات نشان‌دهنده عمق انحراف اخلاقی و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر جنایات رژیم صهیونیستی است. چنین واکنش‌هایی نه‌تنها غیرانسانی است، بلکه نشان‌دهنده تلاش برای عادی‌سازی جنایات جنگی و مقصر جلوه دادن قربانیان است.

علیه جریان تحریف نتانیاهو

حملات میدان تجریش و ساختمان چمران تأثیرات عمیقی بر جامعه ایران گذاشت، خشم و اندوه عمیقی در میان ایرانیان ایجاد کرد و همبستگی ملی را تقویت کرد. مردم ایران که پیش از این نیز تجربه مقاومت در برابر تجاوزات خارجی را داشتند، بار دیگر نشان دادند که در برابر چنین جنایاتی سکوت نخواهند کرد. تصاویر و داستان‌های قربانیان، به‌ویژه رایان قاسمیان، به‌نمادهایی از مظلومیت و مقاومت تبدیل شدند و نقش کلیدی در افشای جنایات جنگی رژیم صهیونیستی دارند. ویدئوی میدان تجریش به دلیل تأثیر بصری قوی خود، به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جهانی پخش شد و روایت رسمی رژیم صهیونیستی در مورد هدف قرار دادن نظامیان را به چالش کشید. این امر قدرتمند برای افشای حقیقت تبدیل شد. فعالان رسانه‌ای باید از می‌داد، به ایرانیان فرصت استفاده کنند تا با انتشار مداوم شواهد و مستندات، فشار افکار عمومی را بر رژیم صهیونیستی و حامیان آن افزایش دهند. این امر می‌تواند به ایجاد اجماع جهانی علیه جنایات جنگی منجر شود. علاوه بر این، فعالان شبکه‌های اجتماعی باید در برابر روایت‌های جعلی و توجیحات رسانه‌های معاند هوشیار باشند. انتشار گسترده ویدئوها و تصاویر مستند از جنایات، همراه با تحلیل‌های حقوقی و اخلاقی، می‌تواند مانع از تحریف حقیقت شود. انتشار تصاویر خودروی هلال احمر در میدان ۷ تیر، تصاویر آوار ساختمان چمران و ویدئوی حمله به میدان تجریش، شواهد بصری قدرتمندی در کمپین‌های رسانه‌ای علیه جریان تحریف محسوب می‌شوند.

کوتاهای بزرگ، سؤالاتی جدی ایجاد کرد.

یکی از پرسش‌های کلیدی پس از این سفر، چرایی عدم حضور رئیس‌جمهور ایران در اجلاس بریکس در برزیل بود. ایران مسال گذشته به عضویت این بلوک اقتصادی-سیاسی نوظهور درآمده بود و انتظار می‌رفت در مقطع حساس کنونی حضور رسمی او در سطح رئیس‌جمهور باشد. اما به‌جای آن، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه اعزام‌شده. آیا این تصمیم از روی استراتژی بود یا ناشی از فقدان هماهنگی و اولویت‌گذاری؟ سفر رئیس‌جمهور به باکو، آغاز یک مسیر است، نه پایان آن. اما آیا این مسیر در جهت تثبیت جایگاه ایران در نظم جدید منطقه‌ای است یا تانکرالگوهای گذشته؟ آیا صرف خوش‌رویی با همسایگان بدون تأمین منافع راهبردی، می‌تواند منجر به امنیت پایدار شود و آیا می‌توان با حضور در نهادهای چون اگو، نقش ایران را در معادلات جهانی تقویت کرد یا باید هم‌زمان نگاه دقیق‌تری به مشارکت در پیمان‌هایی چون بریکس داشت؟

افکار عمومی را آزار ندهید

جهان امروز بیش از هر زمان دیگر، درگیر نبردهای نمادین است؛ جایی که زبان تصویر، از متن و سخن جلوتر می‌دود و هر نمای ضبط‌شده، حامل پیامی فراتر از ظاهر ماجراست. در این میدان، رؤسای کشورها دیگر صرفاً تصمیم‌گیران سیاسی نیستند، بلکه در جایگاه بازیگران صحنه‌ای ایستاده‌اند که تماشاگران میلیونی اردوهر حرکتشان معنا، وزن و جهت می‌یابد. از همین زاویه است که حرکت ساده‌ای چون بلندشدن و نشستن هم‌زمان با رئیس‌جمهور یک کشور همسایه، تبدیل به سوژه‌ای در فضای عمومی می‌شود؛ نه از آن‌و که خود این حرکت مهم باشد، بلکه از این جهت که تلقی و تفسیر آن می‌تواند تصویر بزرگ‌تری از توازن یا عدم توازن در روابط دو کشور بسازد. سیاست‌ورزی در این میدان، مستلزم آگاهی کامل از ظرایف رفتار دیپلماتیک است؛ نه‌تنها از منظر پروتکل‌های رسمی، بلکه به‌ویژه از جنبه تأثیرات روانی و رسانه‌ای. در جهانی که حتی بالا یا پایین بودن جایگاه نشستن یک رهبر در عکس‌مسته‌جمعی به‌سرعت تحلیل می‌شود، غفلت از لایه‌های پنهان پیام، به‌معنای واگذار کردن زمین بازی است. پزشکیان بدون شک با نیت خیرخواهانه و در چهارچوب ادب رایج واکنش نشان داده، اما نیاز است تیم دیپلماتیک و یا حساسیت‌یشتی رفتارهای دیپلماتیک را هدایت کند. از این‌رو، دوپمن سفر او آذربایجان باید نه فقط از نظر موضوع رسمی، بلکه از زاویه انتقال پیام‌های غیرمستقیم نیز بررسی شود، زیرا در دیپلماسی آنچه دیده‌می‌شود، گاهی بیش از آنچه گفته می‌شود اثر دارد.